

پشت بوم

ستون پشت بوم این هفته استثنائا منتشر نمی‌شود

پیشنهاد روز

نمایشگاه «ممه‌ور» در گالری اثر

● **شرق:** نمایشگاه «ممه‌ور» با آثاری از مجتبی تاجیک در گالری اثر درحال نمایش است.ممه‌ور، عنوان تازه‌ترین مجموعه نقاشی‌های تاجیک است که این روزها در گالری اثر به‌نمایش گذاشته شده است؛ ۱۲ تابلوی بزرگ که در میان آنها هشت اثر با تکنیک اکریلیک روی تخته اجرا شده‌اند. نقاشی متفاوت از انواع جعبه، چمدان و کمد‌های قفل‌دار قدیمی، همچنان دغدغه تاجیک است که در وِرای آن مخاطب را به تحلیلی جامعه‌شناختی از روزگار خود سوق می‌دهد. کنش نقاشانه تاجیک و زاویه نگاه خاص او توانسته هویتی نوین و بالطبع بار معنایی تازه‌ای به این اشیای بی‌جان ببخشد؛ چنان‌که به‌نظر می‌رسد برخی‌شان انگار چشم دارند و به آدمی خیره شده‌اند و آن دیگری دسته‌ای دارد که زبان به‌نظر می‌آید و برای صاحبان دیروز حرف‌ها برای گفتن دارند؛ حرف‌هایی درباره روزگارانی که رفته و سَنَت‌ها و المان‌هایی که حالا دیگر دیروزی و کهنه محسوب می‌شوند؛ اما نمی‌توان کتمان‌شان کرد؛ زیرا بخش انکارناپذیر یک تاریخ‌اند.

زروان روح بخشان، منتقد هنر در متنی که در کاتالوگ این نمایشگاه منتشر شده، نوشته است: «مجتبی تاجیک، در مجموعه ممه‌ور، انواع مختلفی از جعبه‌های کنار و روی‌ها را به‌تصویر کشیده است؛ چمدان‌های روی‌هم چیده‌شده، ردیف صندوق‌های ناهمه، کمد‌های قفل‌دار فلزی، جعبه‌های فلزی روی‌هم، کنش‌وای برگه‌دان و امثال آن. در اغلب این نقاشی‌ها با ترکیب‌های استوار و ردیف‌های منظمی از چیدمان این جعبه‌ها و صندوق‌ها، در رنگ‌های سرد و کهنه، با ضربه قلم‌های حساب‌شده و لکه رنگ‌های آزاد مواج‌هیم ... در این مجموعه آنچه متعلق به زندگی مدرن در فضای سنتی جامعه ماست به‌تصویر کشیده شده است؛ جعبه‌های بسته با نیمه‌باز رهاشده و درواقع خانه‌های درکار یکدیگر، اما جدا از هم که قرارشان پنهان‌کردن زندگی‌هاست؛ مگر آنکه چیزی دیگر برای اِزدست‌دادن باقی نمانده باشد؛ ناهمای بی‌صاحب و رها شده در صندوق نمور. این ماییم که زمانی خود را پس پشت چندین در و دیوار و پرده پنهان می‌کنیم و زمانی خاک‌خورده و تنها در گوشه‌ای رها می‌شویم.».

خبر

● **«احتمال باران اسیدی» برگزیده مردم پراگ**
شرق: فیلم «احتمال باران اسیدی» به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها برنده جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره «پراگ» شد. بهتاش صناعی‌ها کارگردان این فیلم سینمایی پس از دریافت جایزه، از این میزان استقبال مردم پراگ از سینمای ایران و فیلم «احتمال باران اسیدی» ابراز خرسندی کرد. فیلم‌های «قصه‌ها»، «تاکسی»، «در دنیای تو ساعت چند است»، «ملبورن»، «سیزده»، «امروز» و «پریدن از ارتفاع کم» دیگر فیلم‌های ایرانی حاضر در بخش مسابقات بودند.
باران اسیدی» در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم‌نامه و نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد.



احمد طالبی‌نژاد

دعوت شده بودیم به تماشای نمایشی به نام «دختران ننه دریا» برداشتی آزاد از شعر احمد شاملو. کار یک کارگردان جوان افغان به نام نثار ظریفی که گویا از شاگردان و همراهان حمید پورآذری، کارگردان نوجو و جسور تئاتر امروز ایران، هم بوده و پیدا بود از تکنیک‌های بدیع او در این نمایش هم بهره فراوان برده است. یادداشت کارگردان در بروشور نمایش به ما می‌گوید «قصه دختران ننه دریا، روایت دخترانی است که دیگر در کنار ما نیستند. آنها با رفتنشان به شکلی عشق را نیز با خود بردند. آنها نمی‌دانستند که شهر، بی‌عشق سقوط خواهد کرد.» به استناد هویت کارگردان و برخی بازیگران جوان و نوجوان نمایش که

شرق: رئیس سازمان سینمایی، حجت‌الله ایوبی، بارها تاکید داشته فربه‌شدن بخش خصوصی و کوچکی ساختار بنیاد سینمایی فارابی، از اهداف پیش‌روی این سازمان است. وی دراصل ادامه‌دهنده همان هدفی است که در بدو تأسیس فارابی، انوار و بهشتی امیدوار بودند روزی برسد که سینمای ایران دیگر احتیاجی به بنیاد سینمایی فارابی نداشته باشد. حالا این روزها که علیرضا تابش، سکان فارابی را به دست گرفته، طبق مأموریت واگذار شده به بنیاد، یعنی حمایت از تولید فیلم‌های اول، می‌خواهد که کمک به این نوع فیلم‌سازان حداکثر کمک را بکند؛ با این نگاه که دیگر تمایل ندارد ולخرجی مدیریت‌های دوره قبل را تکرار کند و برای مثال ارقام میلیاردی‌ای در اختیار یک یا دو فیلم با عنوان «فیلم‌های فاخر» می‌گذاشتند و در بازگشت سرمایه، نیمی از هزینه‌ها را هم تأمین نمی‌کردند!

تابش می‌خواهد اعتبارات متعلق به فارابی را میان فیلم‌های بیشتری تقسیم کند تا همه بتوانند از آن منتفع شوند. به همین دلیل، فارابی به فکر «ترمیم» است؛ ترمیم رابطه از دست‌رفته خود با سینماگران، سوسوی چراغی که در دوره مدیریت دولت قبل روبه‌افول بود. البته هنوز فاصله‌ها وجود دارد. باین‌حال، این همت را باید ارج نهاد. اما مگر رکود اقتصادی و تورم می‌گذارند این چاه به‌راحتی دست‌کم به چاله تبدیل شود! رکود اقتصادی بیش از هر چیز دست سینماگران را بسته. به همین دلیل بسیاری از فیلم‌نامه‌ها خاک می‌خورند و در حسرت تأییدشدن نور دوربین سینما هستند. طبعاً بخش خصوصی نیز در این شرایط به‌راحتی ریسک نمی‌کند. در این‌راستا هر وقت بحث مشارکت به میان می‌آید، پای فارابی هم به میان می‌آید. به‌ویژه که هر چند وقت یک‌بار گزارش‌هایی از این ارگان درباره چگونگی مشارکت در ساخت پروژه‌های سینمایی، توجه بسیاری را معطوف به آمار و ارقام منتشر شده می‌کند. مدتی است بحث مقایسه دوران پیشین مدیریت بنیاد سینمایی فارابی و دوره جدید مطرح است. آن هم از باب میزان مشارکت در سرمایه‌گذاری و ساخت فیلم به‌لحاظ کمی و کیفی، بعد از تغییر مدیریت فرهنگی کشور، آمارهایی از میزان سرمایه‌گذاری فارابی در ساخت پروژه‌های سینمایی منتشر شد. سال ۹۲ بود که تابناک، دراین‌باره گزارش منتشر و در آن اشاره کرد اکران هشت فیلم تولیدشده در بنیاد سینمایی فارابی، فروش تقریبی ۵۰۰ میلیون تومانی داشته که هزینه آنها بیش از ۱۹ میلیارد بوده و فقط ۳۰ درصد از فیلم‌های سینمایی تولیدشده در فارابی امکان بازگشت سرمایه خود را یافته‌اند و عملاً مهم فارابی از کیشه سینماها قابل توجه نبوده است. از سوی دیگر، با تغییر مدیریت بنیاد سینمایی فارابی در دو سال گذشته، آمار و ارقام متفاوت‌تری از این

هنر

نگاهی به نمایش دختران ننه دریا، اجراشده در تماشاخانه ارغون

همدلی و هم‌صدایی

از افغان‌های مقیم ایران هستند، می‌توان بستر وقوع ماجراهای نمایش را سرزمین بی‌عشق و جنگ‌زده افغانستان دانست اما، نگرش کلی متن، جهان‌شمول‌تر از یک موقعیت جغرافیایی خاص است. هرچا رنگ گرم و پرخون عشق حضور نداشته باشد، جنگ و نیستی آسان‌تر درش نفوذ می‌کند و آنجا را به نیستی و تباهی خواهد کشاند. دختری جوان – قهرمان اصلی- پوشیده در لباسی قرمزرنک، به ایستگاه مترو قطار آمده تا به جایی نامعلوم هجرت کند. سوزن‌بان پیر به او اخطار می‌کند که با این هجرت، شهر هم به‌زودی سقوط خواهد کرد اما او که از بودن در موطن خود زله شده، به هوای آزادی، تن به این سفر بی‌فرجام می‌دهد و به این ترتیب، مرگ را به سرزمین خود دعوت می‌کند. این نمایش حاصل کار کسانی است که به‌طور عمده ساکن منطقه موسوم به کوی سیزده آبان هستند. منطقه‌ای مهاجرنشین در جنوب تهران بود اما در بیست‌واندی سال گذشته بر اثر فعالیت گروه‌های فرهنگی و آموزشی، به نمونه‌ای از «محله سالم» تبدیل شده است. نوجوانانی که اغلب خود و خانواده‌شان

سینماگران در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کردند

چالش‌های «فارابی» در دوران رکود



ارگان دولتی رسانه‌ای شده است. این آمار حکایت

از سرمایه‌گذاری بیشتر فارابی از تولیدات سینمایی با بودجه کمتر را دارد. سال ۹۴ فارابی در حالی از بیش از ۷۰ فیلم حمایت مالی کرده که بودجه‌اش در مقایسه با دوره دوم احمدی‌نژاد، به نصف تقلیل یافته است. از سوی دیگر، بحث اعتماد بیشتر سینماگران به بنیاد سینمایی فارابی در دوره مدیریت جدید نیز مطرح است و به نظر برخی از سینماگران، اعتماد متقابل بین بنیاد سینمایی فارابی و اهالی سینما در یک‌سال اخیر بیشتر شده است.

مقایسه، منصفانه نیست

محمدعلی باشه‌آهنگر، کارگردان، که چهار سال پیش در بنیاد سینمایی فارابی فیلم سینمایی «ملکه» را مقابل دوربین برد، در گفت‌وگو با «شرق»، یادآور شد میزان هزینه و مشارکت فارابی از چند جهت در دو دوره مدیریتی قابل‌مقایسه نیست. او گفت: شرایط کشور ما به دلیل شرایط تحریم خوب نیست. قیمت نفت یک چهارم سابق است و اگر این دو دوره را صرفاً به دلیل مدیریت و نه سرمایه مقایسه کنیم، احتمالاً منصفانه نخواهد بود.

او ادامه داد: «تعداد فیلم‌هایی که در دوره مدیریت قبل، بنیاد فارابی حاضر به مشارکت در ساخت می‌شد، نسبت به حال‌حاضر بیشتر بود. امسال بنیاد فارابی فقط در دو فیلم «نفس» و «امکان مینا» سرمایه‌گذاری مشترک کرده است. اما در دوران قبل، بنیاد فارابی بیشتر اوقات در کل سرمایه‌گذاری یک فیلم مشارکت می‌کرد و صاحب اثر بود. حتی زمانی که موضوع ساخت «ملکه» مطرح شد، قرار بود ارگان دولتی دیگری به کمک بیاید و این اتفاق نیفتاد؛ فارابی به‌تنهایی وارد عمل شد و کمتر از یک میلیارد نیز هزینه ساخت این فیلم شد. به‌هرحال، فیلم‌هایی مثل «ج»، «استرداد» و... هم بودند که هزینه‌های بیشتری برای ساخت داشتند. طبعاً گروهی تصور می‌کنند به برخی

انتشار نامه «هانیبال الخاص» به «م. آزاد» بعد از نیم‌قرن

روی هم رفته پسندیده است. والسلام. و از طرفی هم از ترس کرسنکی شکم خود و زن و بچه مجبورم در این دکان کار کنم و تابلوهای دریا و کشتی شکسته بفروشم و خود این شده است مانع نمایشگاه‌های بعدی. هیچ نمی‌دانستم که در آمریکا بپرسند: «کجا کار می‌کنی، در مغازه آرت‌اینترناسیونال پس با گالری ما چه کار داری!» الخاص نوشته است: «از همه بدتر حوصله جنگ و دعوا را ندارم و چون نمی‌دانم فردا کجا خواهم بود و منتظرم که شاید سیامیر آینده کار تدریس پیدا کنم. همین‌طوری خنثی مانده‌ام و این کشنده است. عیال وضع را خوب می‌فهمد و از من صدار بیش‌تر به یاد ایران می‌افتد. و از من حاضرتر به برگشت‌اندی و از طرفی هم توکلی این دوست ما، می‌نویسد و دعوت می‌کند و می‌گوید که برگردی کارهایی هست و وضعیت خوب خواهد بود و از این حرف‌ها. و این این‌نسق‌بودن به قول تو یک یا این‌جا و یک

الن میک‌سینز وود، متفکر آمریکایی در ۷۴سالگی در گذشت

است که باید دائماً دستمزد‌ها و مزایای کارگران را به‌منابه بخشی از استراتژی بقای خود کاهش دهند. نتیجه‌گیری وود این است: «مادم که مناسبات سرمایه‌دارانه حاکم است، مبارزه طبقاتی نیز محور

نزاع خواهد بود».
الن در واپسین سال‌های زندگی‌اش از زاویه‌ای نو به بررسی تحول اندیشه سیاسی از عهد باستان تا دوران مدرن مبادرت کرد.

وی تلاش کرد متفکران مهم هر دوره را در بستر اجتماعی و به‌طور خاص طبقاتی‌شان بررسی کند. بدین‌ترتیب ایدئولوژی‌های سیاسی هر دوران را در بطن ساختار طبقاتی بنیادی آن دوران بررسی کرد. وی در کتاب «از شهروندان تا لردها: تاریخ اجتماعی تفکر سیاسی غرب از عهد متیق تا سده‌های میانه» (۲۰۰۸) به بررسی این امر طی دوران باستان تا پایان

مهاجرند و درد غربت و دربه‌دری را با گوشت و پوست خود چشیده‌اند، بازیگران این درام هولناک‌اند. درواقع این نمایش غم‌نامه آنها و صدها و بلکه هزارها انسان - به‌ویژه کودکان و نوجوانان - همچون خودشان است. پس از یک‌سال‌وَنیم تلاش دسته‌جمعی و تجربه درکنارهم‌بودن و انجام کار مشترک که با حمایت مؤسسه آموزشی و پژوهشی کودکان دنیا صورت گرفته، نمایشی پدید آمده که در متن و اجرا، یک سر و گردن از کارهای آتاتورپ با به تعبیر قدیمی‌ترش «نمایش‌های مدرسه‌ای» فراتر رفته و تماشاگرانش را راضی از دیدن یک نمایش خوب، از سالن بیرون می‌فرستد. می‌شود به کم‌وکاستی‌هایی - در متن و اجرا - اشاره کرد اما فضای نمایش چنان گرم و گیراست که ناچاریم از ضعف‌ها چشم پیوشیم چون این فقط یک نمایش تئاتری نیست. نمایشی از همدلی و هم‌صدایی کودکان و نوجوانان ایران و سراسر دنیاست تا نفرت خود را از جنگ و خشونت فراگیر در جهان امروز به‌ویژه منطقه خاورمیانه به گوش بزرگ‌تراها برسانند.»

سینماگران در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کردند

نبود و حتی نتوانست موفقیتی را در دنیا برای سینمای ایران کسب کند.

وام‌هایی که بیشتر شده است

جواد نوروزبیگی، از تهیه‌کنندگان سینما نیز معتقد است در مدیریت جدید بنیاد سینمایی فارابی میزان وام‌هایی که برای ساخت آثار سینمایی در نظر گرفته می‌شود، بیشتر شده است. او در گفت‌وگو با «شرق»، تاکید کرد معمولاً اعطای وام همیشه در دستور کار فارابی بوده و در ساخت فیلمی صددرصد مشارکت نداشته است. منیژه حکمت، از تهیه‌کنندگان سینما، هم معتقد است در مدیریت حال حاضر بنیاد سینمایی فارابی حمایت بسیار خوبی از فیلم اولی‌ها صورت گرفته است. او در گفت‌وگو با «شرق»، با تاکید بر اعتماد سینماگران به بنیاد سینمایی فارابی، ادامه داد: طبعاً کمک‌های بنیاد سینمایی فارابی به سینماگران قابل تحسین است اما متأسفانه در کنار فهرستی که این ارگان در جهت حمایت از فیلم‌های سینمایی منتشر می‌کند، مبلغ و میزان کمکی که به هر فیلم‌ساز شده است، قید نمی‌شود. خواسته سینماگران این است میزان حمایت بنیاد فارابی از فیلم‌های سینمایی و مبلغی که به ساخت هر فیلم در ۱۰ سال گذشته اختصاص داده شده است، رسانه‌ای شود. در غیراین صورت این علامت سؤال برای اهالی سینما باقی خواهد ماند که به نظر من خوب نیست.

سینایی و همکاری مثبت فارابی

خسرو سینایی که سال گذشته فیلم «جزیره رنگین» را با حمایت بنیاد سینمایی فارابی مقابل دوربین برد، درباره تغییراتی که در بنیاد سینمایی فارابی در دوره پیشین و حال حاضر آن می‌بیند، به «شرق» گفت: نمی‌توانم خیلی دقیق درباره تفاوت این دو دوره مدیریت صحبت کنم اما سالال گذشته فیلم «جزیره رنگین» را با حمایت بنیاد سینمایی فارابی ساختم و از آنجایی که درباره بخش فیلم، کمی مشکل داشتم ترجیح دادم با بنیاد سینمایی فارابی همکاری کنم و فیلم هم درحال‌حاضر در گروه سینمایی «هنر و تجربه» اکران شده است. این تجربه همکاری برای من مثبت و نتیجه‌بخش بود.

از سوی دیگر، به‌نظر بسیاری از سینماگرانی که در دو سال گذشته با بنیاد سینمایی در ارتباط هستند، تغییرات رویکرد این ارگان و نگاه حمایتی و گسترده‌تر به تولیدات سینمایی بیش از گذشته است و سینماگران بیشتری زیر چتر حمایتی این نهاد دولتی جمع شده‌اند. درنهایت باید دید با توجه به شرایط اقتصادی و بودجه محدودی که در حوزه فرهنگ به‌ویژه در بخش سینما وجود دارد، بنیاد سینمایی فارابی تا چه حد می‌تواند در پیشبرد اهدافش موفق باشد؟ و اما غلامرضا موسوی معتقد است اساساً فارابی از ریل سینما خارج شده و نگاه عمیقی به مشکلات سینمای ایران ندارد.

زیر آسمان فیروزه ای

همراه با رونمایی کتاب و بررسی آثار

«بهجت‌صدر» در تهران



● **شرق:** بهجت صدر به میان هم‌وطنانش می‌آید. او اگرچه چند سال است در پاریس فرانسه آرمیده، اما قرار است نمایشگاهی از آثار او به‌صورت مشترک در گالری‌های آریا و آبانبار برگزار شود. نمایشگاه این نقاش با عنوان «بهجت صدر: رد در سیاهی» با ۸۷ اثر که بخشی از آنها از سوی مجموعه‌داران و تعدادی از سوی دخترش به‌امانت گرفته‌شده است، برگزار می‌شود. این نمایشگاه مروری بر آثار صدر است و به‌همین‌دلیل از تمام دوره‌های کاری او تابلوهایی به‌روی دیوار می‌رود. مراد منتظمی نمایشگاه‌گردان آن است و در آیین افتتاحیه نمایشگاه، کتابی هم رونمایی می‌شود؛ همچنین نشست برای بررسی آثار از ساعت ۱۸ الی ۲۰ در گالری آبانبار برپا خواهد شد.

بهجت صدر محلاتی در هشتم خرداد ۱۳۰۳ در اراک به‌دنیا آمد. نخستین فرزند قمر امینی‌صدر و محمد صدرمحلاتی بود. خانواده‌اش در سال ۱۳۰۹ ساکن تهران شدند. او در سال ۱۳۱۳ به دانش‌سرای مقدماتی رفت و در سال ۱۳۲۷ به دانش‌سرا راه یافت و سال ۱۳۳۳ با رتبه نخست در رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران گواهی‌نامه هنری دریافت کرد.

سال ۱۳۳۴ نیز بورس تحصیلی فرانسه و مدال «انگر» به او اهدا شد. این نقاش در سال ۱۳۳۵ برنده جایزه سیمین هم‌ترازی شهر سن‌ویتو شد و یک اثر از او به‌همراه چند کار از نگارگران جوان ایرانی در دوسالانه ونیز پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۶ اولین نمایشگاه انفرادی‌اش را در نگارخانه «پینچو» در رم برگزار کرد و در سال ۱۳۳۹ پس از ازدواج با مرتضی حنانه در دانشگاه تهران به آموزش نگارگری پرداخت. در سال ۱۳۴۱ نیز در سومین دوسالانه تهران جایزه نخست را گرفت و نگاره‌هایش به دوسالانه سی ویکم ونیز ارسال شدند.

او دستکاری گوستاو سن‌زیه، نقاش و استاد دانشگاه بوزار را برعهده گرفت و شیوه‌های آموزش هنر را آموخت. آثار او در کنار هنرمندان نام‌آوری مانند ژوزف بویز، مسلازه، موهوی- نادى به‌نمایش درآمدند.

صدر نمایشگاه‌های بسیاری در ایران و خارج از کشور برپا کرده است و آثاری از این هنرمند در موزه هنرهای معاصر تهران و موزه‌های خارجی مانند مینیاپولیس آمریکا، موزه هنرهای پاریس، موزه هنرهای چکسلواکی، موزه هنرهای رم و... نگهداری می‌شوند. این هنرمند پیشکام در هنر نوگرای ایران ۱۹ مرداد ۱۳۸۸ در جنوب فرانسه درگذشت و در گروستان پرلاشز به‌خاک سپرده شد. نمایشگاه بهجت صدر از دوم تا ۲۳ بهمن در نگارخانه آریا به‌نشانی خیابان ولیعصر، بالاتر از سه‌راه شهید بهشتی، کوچه زریں، پلاک ۱۰ و نگارخانه آبانبار واقع در خیابان انقلاب، دروازه دولت، خیابان خاقانی، بن‌بست روشن‌منش، پلاک سه برگزار می‌شود.

عمق میدان

نمایشگاه کتاب از مصلی می‌رود

● **شرق:** با اعلام رسمی مکان برگزاری بیست‌ونهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور، قرار است از مرکز شهر خارج و در «شهر آفتاب» برپا شود. شهردار تهران، روز دوشنبه ۲۸ دی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه «یاد یار مهربان» در باغ کتاب گفت: با توافق انجام‌شده اولیه بین شهرداری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مقرر شد نمایشگاه کتاب در «شهر آفتاب» (در زمینی به مساحت ۱۶۰ هکتار در مجاورت مرقد امام خمینی(ره) و به فاصله اندکی از فرودگاه امام خمینی (ره) در مسیر اتوبان تهران- قم) برگزار شود. این جمله شهردار تهران به‌معنی آن است که پس از ۹ دوره برپایی نمایشگاه کتاب تهران در مصلای امام خمینی (ره) و اما و اگرهایی که از روز نخست جای‌جایی مکان نمایشگاه مطرح شد، از سال آینده این نمایشگاه در جای دیگری غیر از مصلای برگزار خواهد شد؛ البته معرفی رسمی شهر آفتاب برای میزبانی نمایشگاه کتاب به‌نظر کمی ناگهانی است؛ به‌خصوص که پیش‌تر شهردار در حضور وزیر ارشاد «باغ کتاب» (واقع در تپه‌های عباس‌آباد) را برای برپایی نمایشگاه کتاب آینده معرفی کرده بود. هرچند از چندی‌پیش بحث‌هایی مبنی بر کم‌بودن فضای آن برای میزبانی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مطرح شد. به‌نظر می‌رسد کار انتقال نمایشگاه کتاب تهران از مصلای جدی است و ناشران و مخاطبان نمایشگاه کتاب امسال باید در مکانی تازه و دور از شهر، بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور را رقم بزنند؛ هرچند تا زمان برپایی نمایشگاه در اردیبهشت‌ماه فقط حدود سه ماه زمان باقی مانده است.